

تقویت شهر نجف آباد به عنوان شهر متوسط غرب اصفهان به منظور توسعه متوازن فضایی شهرهای استان (مطالعه موردی: شهر نجف آباد)

سید محمد ابراهیم احمدی^۱، هوشند عطایی^۲، مهناز محمدحسینی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری - نوسازی و بهسازی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه پیام نور، اصفهان و معاون شهرسازی شهرداری نجف آباد.

^۲ دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران

^۳ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی - مالی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

چکیده

در طی سالهای اخیر در کشور ایران نقش شهرهای کوچک و میانی به ضعف گراییده و شبکه شهری زنجیره ای باعث ضعیف تر شدن این شهرها از نظر اقتصادی، اجتماعی و فضایی شده است (حسامیان و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۵). در سال های اخیر بیشتر سیاست ها و توجهات به سمت شهرهای بزرگ و کلان شهرها تا حد زیادی بستگی به ساماندهی و حل مشکلات شهرهای کوچک و میانی دارد (زیاری، ۱۳۸۸: ۲۳۳). یکی از مهمترین راهبردهای موجود در این خصوص، توجه به تقویت شهرهای اندازه متوسط و حمایت از ایجاد این گونه شهرها در شبکه شهری کشور است. این سیاست براین فرضیه استوار است که شهرهای میانی در فرایند توسعه فضایی سرزمین و مناطق مختلف آن نقش مثبتی داشته و به شکل تعیین کننده ای می توانند در این امر موثر باشند. به عنوان مثال، با گسترش امکانات و خدمات در شهرهای میانی می توان از مهاجرت به سمت شهرهای بزرگ جلوگیری کرد و اقتصادی پویا برای این شهرها به وجود آورد. مطالب بیان شده، نگارنده را برآن داشت تا با تقویت نقش بررسی توانایی های شهر نجف-آباد به عنوان شهر متوسط غرب اصفهان به منظور توسعه متوازن فضایی شهرهای استان، راهبردهایی در جهت بهبود ساختار فضایی و تعدیل مشکلات شهری آن ارائه دهند. پژوهش حاضر با توجه به ماهیت آن، کاربردی می باشد و روش پژوهش، در این مقاله به صورت توصیفی- تحلیلی می باشد که داده های آن به صورت کتابخانه ای (کتاب، مقالات و اینترنت) گردآوری شده است. به منظور جلوگیری از افزایش جمعیت در شهر و به تبع آن، اجتناب از پدیده گسیختگی و گسترده کالبدی شهر، تقویت شهرهای میانی جهت جذب جمعیت و ایجاد تعادل جمعیتی در منطقه الزامی می باشد.

واژه های کلیدی: شهرهای میانی، گردشگری، نقش شهرهای استان، استان اصفهان، شهر نجف آباد.

مقدمه

امروزه یکی از برنامه‌ریزی‌های جدید در اکثر کشورهای جهان و بویژه جهان سوم سیاست تمرکززدائی در مراکز استانها و توجه به برنامه‌ریزی مجموعه‌های شهری است تا هم از فشار خدماتی و جمعیتی شهرهای بزرگ بکاهند و هم از جابجایی جمعیت، مهاجرت و وابستگی به شهرهای بزرگ جلوگیری کنند (امچکی، ۱۳۸۳، ص ۷۰). در دیدگاه‌های فرایند توسعه منطقه‌ای، موضوع توازن تبیین کننده‌ی فرایند توسعه منطقه‌ای، موضوع توازن در توسعه و آرایش متعادل فعالیتها در فضا، از اهمیت خاصی برخوردار است. لزوم توجه به تمرکززدایی در بحث توسعه، بویژه در کشورهای رو به پیشرفت، از اساسی‌ترین نگرش‌ها است و در بحث تمرکززدایی یکی از پایه‌ای‌ترین مباحثی که مطرح شده، لزوم نگرش به بخش‌های میانی سلسله مراتبی سکونتگاه‌هاست که در این میان شهرهای میانی نیازمند توجه ویژه‌ای هستند (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۴-۲۳). توسعه استان اصفهان نیز حتی بعد از اجرای برنامه توسعه همواره در حالت عدم تعادل و توازن در توزیع امکانات باقیمانده است. توزیع نابرابر امکانات را می‌توان نتیجه اجتناب ناپذیر تمرکز جمعیت و فعالیتها در مناطقی ویژه دانست که باعث بروز تحرکات جمعیتی شدید می‌گردد. عدم مهار سریع این پدیده باعث منفرجه شدن شهرهای کوچک و متوسط و وقوع جریانهای مهاجرتی از سطوح پایین سکونتگاهی به طرف سطوح بالای نظام سکونتگاهی خواهد شد و به تدریج معضلات بسیار بزرگی را برای شبکه سکونتگاهی کشور و به خصوص شهرهای بزرگ پدید خواهد آورد.

شهر نجف‌آباد واقع در غرب اصفهان و در مسیر محور راههای اصلی اصفهان به نواحی غربی در مرکزیت نسبی شهرستان‌های فریدن، فریدونشهر، گلپایگان، چادگان، خوانسار، تیران، نجف‌آباد و شهر فولادشهر و در موقعیت بسیار مناسب جهت دسترسی اکثر شهرهای غربی استان با برخورداری از موقعیت مناسب، دسترسی آسان به نقاط شهری و غرب و همچنین با بهره‌گیری از توان‌های کشاورزی، وضعیت مناسب توپوگرافی و مناسبت اراضی جهت توسعه وجود مراکز آموزش عالی، آب و هوای مناسب توان‌های مدیریتی و نیروی انسانی کارآمد، ظرفیت‌های مناسب فرهنگی، مراکز تولیدی و صنعتی و... شبکه ارتباطی بسیار مساعد، امکانات و ظرفیت‌های مساعدی را جهت توسعه آینده نشان می‌دهد و در صورت برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری و توجه مسئولین می‌تواند بعنوان یک شهر رابط و درجه دوم استان با افزایش ظرفیت‌های خدماتی، فرهنگی، تولیدی، بهداشتی و... خود نقش رابطه و شهر میانی را بین اصفهان و شهرهای غربی استان را بازی کند. با ارائه خدمات مختلف مورد نیاز شهرهای اطراف هم از تمرکز بیش از اندازه شهر اصفهان بکاهد و تا حدود زیادی از وابستگی شهرهای غربی و اطراف به شهر اصفهان کم نماید. پژوهشگر در این پژوهش قصد دارد ضمن ارزیابی توان‌ها و محدودیت‌های این شهر، نقش توسعه آن را به عنوان متغیر مستقل بر کاهش تمرکز از شهر اصفهان به عنوان متغیر وابسته همچنین تأثیر توسعه شهری این شهر را بر ارائه خدمات برای شهرهای اطراف خود مطالعه نماید. محدوده مطالعه شهر نجف‌آباد و قلمرو زمانی آن اطلاعات در دو دهه اخیر است.

مبانی نظری

شهرهای میانی در درجه اول بواسطه جایگاهشان بین مراکز محلی شامل نواحی روستایی یا شهرکهای تخصصی و مراکز مادر شهری که دارای عملکرد ملی و بین‌المللی هستند، شناخته می‌شوند. فیلهو معتقد است که نقش و اهمیت شهرهای کوچک و میانی از دهه ۱۹۷۰م. بیشتر مورد توجه قرار گرفت (زبردست، ۱۳۸۳: ۲۶). در دیدگاه‌های تبیین کننده‌ی فرایند توسعه منطقه‌ای، موضوع توازن در توسعه و آرایش متعادل فعالیتها در فضا، از اهمیت خاصی برخوردار است. در بحث تمرکززدایی یکی از پایه‌ای‌ترین مباحثی که مطرح شده، لزوم نگرش به بخش‌های میانی سلسله مراتب سکونتگاه‌هاست که در این میان شهرهای متوسط، نیازمند توجه ویژه‌ای هستند (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۴-۲۳). شهرهای میانی از نظر اجتماعی بخشی از ویژگی‌های مربوط به شهرهای بزرگ و بخش از ویژگی‌های مربوط به شهرهای کوچک و روستا - شهرها را در خود دارند و از نظر اقتصادی، مستعد برتری فعالیت‌های تجاری و خدماتی همراه با اشتغال در صنایع کارخانه‌ای که عمدتاً در بخش صنایع با مقیاس کوچک تمرکز یافته هستند (شکویی و باقری، ۱۳۷۷: ۸۵۱۱۷). در شناخت شهرهای رده میانه علاوه بر شمار جمعیت، کارایی اقتصادی، فعالیت‌های عمده اقتصادی، ترکیبی اشتغال نیز می‌تواند به کار آید (امچکی، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۴).

شهرهای میانی از اقتصادی، مستعد برتری فعالیت های تجاری و خدماتی، همراه با اشتغال در صنایع کارخانه ای که عمدتاً در بخش صنایع با مقیاس کوچک تمرکز یافته، هستند (باقری، ۱۳۷۷: ۸۸-۸۹).

آلنسو معتقد است که از حیث کارایی اقتصادی در مقیاس های میانی جمعیت شهری، نقطه اختلاف بین سودها و هزینه ها و یا به عبارت دیگر سود خالص به بیشترین حد خود می رسد (پرودهم و ون لی، ۱۳۸۰: ۸۶). تولید اقلام تجاری استاندارد شده گرایش به تمرکز در شهرهای کوچک و میانی دارند (هنسن، ۱۹۹۷: ۶۰۲-۵۸۸). اقتصاد این شهرها در کشورهای در حال رشد بایستی از طریق سرمایه گذاری هائی که توسعه بازرگانی و صنعتی را حمایت می کنند، تشویق و تقویت شود (راندینلی، ۱۹۸۳: ۸۱-۶۳). راندینلی ضمن بررسی مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، فضایی و سیاسی شهرهای بزرگ کاهش می یابد و این شهرها به درجه ای از رشد خواهند رسید که قابل مدیریت باشد. وی اعتقاد دارد شهرهای میانی از نابرابری های ناحیه ای می کاهند، فقر را کاهش و به اقتصادروستایی تحرک و پویایی می بخشد و نیز تمرکز اداری در شهرهای بزرگ را کاهش می دهند. در این صورت تمرکز سرمایه ای در شهرهای بزرگ صورت نمی گیرد و برای سرمایه گذاری های بخش عمومی و خصوصی در شهرهای میانی و دیگر شهرها زمینه های مساعد ایجاد می شود (زبردست، ۱۳۸۳: ۳۱-۳۰). راندینلی از پایه گذاران اصلی راهبرد شهرهای میانی، اساس عملکرد این شهرها را تدارک خدمات برخی صنایع وابسته به کشاورزی و صنایع کوچک و نیز خدمات حمل و نقل تعریف کرده است (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۱۷). در نظام سکونتگاهی شهرهای میانی از موقعیت ویژه ای جهت ایفای نقش بعنوان نقاط واسط برخوردارند که با پذیرفتن نقش مرکزیت نسبت به پیرامون خود در سطح منطقه علاوه بر رشد و شکوفایی خود، تثبیت پایه های لازم رشد در منطقه و توسعه حوزه پیرامون خود را به همراه دارند. در حوزه پیرامون شهرها سکونتگاه های روستایی واقع شده اند که توجه به توسعه آنها در قالب روابط و پیوندهایی که بین آنها و مراکز شهری وجود دارد از مولفه های مهم در فرایندهای توسعه منطقه ای بشمار می آید. در همین رابطه داگلاس (۱۹۸۳) اعتقاد دارد، فواید متقابل و وابستگی ها و پیوندهای بین روستا و شهر نشان می دهد که لازم است دوره تقسیم شهر و روستا به سرآید و پیرو آن چارچوبی برای برنامه ریزی منطقه ای پیشنهاد می کند که این پیوندها را بایکدیگر نشان می دهد. وی الگوی شبکه منطقه ای را در پاسخ به نقاط ضعف دیدگاه هایی که باوجود توجه به روستاها جانبداری شهری داشته اند، مطرح کرده است. درپارادایم جدید توسعه فضایی که داگلاس مطرح می نماید، تلاش می شود که اول از همه بر دو گانگی بین شهر و روستا غلبه شود (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۲). از دیدگاه تاکولی پیوندهای شهری و روستایی در دو دسته قابل دسته بندی است: الف-روابط متقابل فضایی (جریان های کالا، سرمایه، اطلاعات، افراد و...)؛ ب-روابط متقابل بخشی که فعالیت های روستایی که در نواحی شهری به انجام می رسند یا فعالیت هایی که بعنوان شهری طبقه بندی می شوند اما در روستاها شکل می گیرند؛ بنابراین نواحی روستایی با شهرها از جمله شهرهای میانی دارای روابط متقابلی هستند (ضیاتوانا و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۶) و در سایه این روابط شهرهای میانی قادرند از طریق ایجاد خدمات، امکانات و بازار برای تولیدات کشاورزی حوزه های روستایی، به اقتصاد روستایی تحرک و پویایی بخشند. در همین ارتباط تاکولی (۲۰۰۷) اعتقاد دارد اگرچه در فرایند توسعه منطقه ای بر شهرهای کوچک و متوسط تاکید شده است اما ضروری است کارکرد این شهرها در شرایط گسترده نظام های شهری و سیاست های توسعه منطقه ای مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد (تاکولی، ۲۰۰۷: ۵۰).

نظریاتی که پیرامون سازمان یافتگی فضایی مناطق وجود دارد، عمدتاً تشریح کننده چگونگی نظم فضایی و سلسله مراتب کانونهای زیستی در نواحی است. در این زمینه، به طور مشخص از دهه ۱۹۳۰ به بعد تلاشهای متعددی به انجام رسیده است. از میان همه مدل های تبیین استقرار فضایی نظریه مکان مرکزی از همه کاربردی تر است، این نظریه میکوشد که رابطه مکان مرکزی را با حوزه های نفوذشان درک کند. نظریه مکان مرکزی به عنوان محل اسکانی که خدمات، جمعیت و حوزه نفوذ خود را تأمین میکند، تعریف میشود (اجلالی، ۱۳۷۱: ۲). علاوه بر این نظریه، نظریات دیگری نیز در مورد توسعه فضایی مناطق وجود دارد که عبارتند از: مرکز پیرامون فریدمن، قطب رشد فرانسوا پرو، نظریه توسعه روستا شهری جان فریدمن و مایکل داگلاس، علمکردهای شهری در توسعه روستایی از دنیس راندینلی و مدل میسرا. از بین مطالعات و طرحهایی که تاکنون در کشور در مورد برنامه فضایی انجام گرفته، میتوان به روش برنامه ریزی مکانی برای عمران روستایی در ایران (۱۳۵۳) توسط آرپی میسرا

برنامه ریز منطقه ای هندی برای تعیین سلسله مراتب روستاهای شهرستان کازرون و طرحهای ساماندهی فضاها و مراکز روستایی کشور که در چند سال گذشته توسط معاونت عمران روستایی وزارت جهاد کشاورزی برای اغلب سکونتگاههای روستایی استانهای کشور تهیه شده، اشاره کرد. در مورد برنامه هایی که تحت عناوین مختلف در رابطه با برنامه ریزی فضایی در سایر کشورهای جهان انجام گرفته، برنامه ریزی سطح-بلوک^۱، در هندوستان تحلیل نظام های اسکان در اندونزی، تحلیل مراکز بازار در کنیا، پرو و اکوادور، تحلیل مراکز رشد در غنا، ملاوی و تایلند برنامه ریزی عملکردهای شهری در توسعه روستایی در فیلیپین، بولیوی و ولتای علیا، تحلیل مکان مرکزی در کشورهای دیگر قابل ذکر است (زبردست، ۱۳۸۲: ۵۳). که در اغلب آنها سعی در کاهش شکاف میان فقیران و اغنیاء در نظام سکونتگاهی و نواحی مختلف شده است. در بیشتر کشورهای در حال توسعه، توجه برنامه ریزان به تمرکززدایی فضایی - کالبدی سرزمین با هدف توازن بخشیدن به نظام سکونتگاهی، مهار رشد ناهنجار کلان شهرها، کاهش نابرابر یهای منطقه ای و دوگانگی شهری - روستایی به اتخاذ راهبردهای متفاوتی در زمینه توزیع جمعیت و شهرنشینی منجر شده است. یکی از مهم ترین راهبردهای موجود در این خصوص، توجه به تقویت شهرهای اندازه متوسط و حمایت از ایجاد این گونه شهرها در شبکه شهری کشور است. این سیاست بر این فرضیه استوار است که شهرهای میانی در فرایند توسعه فضایی سرزمین و مناطق مختلف آن نقش مثبتی داشته و به شکل تعیین کننده ای میتوانند در این امر مؤثر باشند.

جامعه و روش پژوهش

جامعه مورد بررسی در مقاله حاضر، شهر نجفآباد از شهرهای میانی استان اصفهان می باشد که با شناخت نقش آن بتوان زمینه پیشرفت شهرهای میانی را فراهم نمود. روش پژوهش در این تحقیق، توصیفی -تحلیلی می باشد و داده های آن از طریق کتابخانه ای گردآوری شده است. در این مقاله، ابتدا، به بررسی نقش و عملکرد شهر نجفآباد از شهرهای میانی استان اصفهان پرداخته شده و سپس با مطالعه پتانسیل ها و ضعف های این شهر، جهت تقویت آن و کاهش مهاجرت به ویژه به مرکز استان، نقش و عملکردی برای آن تعریف شده است.

پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق

امروزه اهمیت شهرهای میانی به شکل های مختلف در برنامه های توسعه و در دستور کار کنفرانس های بین المللی منعکس شده است. سابقه توجه به شهرهای میانی یا متوسط در جهان و ایران مورد توجه قرار گرفته شده است که عمده ترین مطالعاتی که پژوهشگران داخلی و خارجی در رابطه با تحلیل فضاهای شهری پرداخته اند به طور مختصر مطرح می گردد:

گرنٹ (۱۹۹۵)، در مقاله "ارزیابی شهر میانی در کشور زیمبابوه" به این نتیجه رسیده که: این شهر نقش دریچه اطمینانی در زمینه مهاجرت پذیری در سلسله مراتب شهری دارد.

هندرسون (۱۹۹۷)، در مقاله "نقش شهرهای میانی در نظام اقتصادی" با اشاره به تجربیات کشورهای برزیل، ژاپن، کره جنوبی مورد ارزیابی قرار داده و بیان میدارد: این شهرها تا حدود زیادی بخصوص در فعالیتهای تولیدی دارای تخصص بوده و می تواند در این زمینه در توسعه منطقه ای موثر واقع شوند.

الگوی مرکز پیرامون جان فریدمن، نظریه پیوستگی گونارد میردال، الگوی نظام توسعه "ابوگونج" و "آر پی میسرا" نظریه توسعه فضایی کلان "لو"، "صالح" و "داگلاس" الگوی تعادل منطقه ای تور و وزنه، الگوی شبکه منطق های مایک داگلاس، نظریه هیلهورست و قطب گرایی فضایی و نابرابری های منطقه ای و... نمونه هایی از مطالعات انجام شده در این زمینه در جهان می باشد.

¹ Block-level planning

شکویی (۱۳۷۳) در کتاب دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، مباحث تئوریک و نظری در زمینه شهرهای میانی مطرح کرده است. وی نظریات متفاوت در زمینه شهرهای بزرگ یا مسلط و شهرهای کوچک و میانی مطرح کرده و در زمینه روابط شهر و روستا در امر توسعه بر مبنای عدم تمرکز سرمایه گذاری ها در سکونتگاه ها بر استراتژی توسعه بر محور شهرها در تأمین حداقل شرایط لازم برای مردم روستایی تأکید می کند.

محمدزاده، تینکانلو (۱۳۸۰)، در مقاله "شهرهای متوسط و شهری شدن جهان"، اهمیت شهرهای متوسط، جایگاه بین‌المللی و میانی نظری و فرضیات موجود در زمینه نقش و کارکرد شهرهای متوسط را بیان کرده و نتیجه گرفته است که تقویت شهرهای متوسط در توسعه پایدار و ارتقاء کیفیت زندگی شهری و روستایی بسیار موثر است. او همچنین به کمبود پژوهش‌های مورد نظر و خلا مطالعاتی عمده‌ای که در این زمینه وجود دارد اشاره می‌کند و بر اهمیت و ضرورت انجام تحقیقات بنیادی و کاربردی در این زمینه تأکید می کند.

امچکی (۱۳۸۳)، در کتاب "شهرهای میانی و نقش آنها در چارچوب توسعه ملی"، در مورد شهرهای میانی و نقش مرکزیت شهر میانی، مفهوم میانی و مقیاس جمعیتی و ویژگی‌های اجتماعی شهر میانی، سیر تحول مباحث مربوط به شهرهای میانی در جهان، بحث کرده است. همچنین نظریه‌های توزیع متوازن جمعیت و افزایش کارایی اقتصادی، مفاهیم آستانه‌ای در اندازه شهر، در زمینه مکانیزم‌های انتشار تدریجی رشد و ساز و کارهای تاثیرگذار در حوزه پیرامونی و دلایل تقویت و اصلاح این شهرها را مطرح کرده است.

صیرفی پور (۱۳۸۴)، در مقاله "نقش شهر میانی سمنان بر توسعه فضایی منطقه و کشور در منظر توسعه پایدار" به این نتیجه رسیده که این شهر با مرکزیت اداری سیاسی و ظرفیت بالا در بخش صنعت و معدن می‌تواند در توزیع متعادل جمعیت و در شکل‌گیری مطلوب سلسله شهری منطقه بسترساز جریان مناسب توسعه پایدار گردد.

حاجی زاده، آزاده (۱۳۸۷)، در پایان نامه خود تحت عنوان "بررسی توسعه فضایی شهر شیراز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با تأکید بر شهرک گلستان"، در این پژوهش نویسنده قصد دارد ضمن مطالعه و بررسی ساختار کالبدی - فضایی شهر شیراز به بررسی کانونهای جمعیتی پیرامون شهرها که از جمله آن می‌توان به شهرک گلستان اشاره کرد و علل و عوامل پیدایش آنها پرداخته است.

رسالور (۱۳۹۰)، در پایان نامه خود تحت عنوان "نقش شهر اهر در توسعه فضایی شمال شرق استان آذربایجان شرقی"، هدف از این پژوهش تعیین جایگاه و نقش شهر اهر در توسعه فضایی شمال شرق استان آذربایجان شرقی و توانایی آن در پخش توسعه در منطقه مورد مطالعه است. به منظور بررسی نقش شهر اهر و میزان تعادل بخشی آن در منطقه، از مدل‌های کمی و ریاضی استفاده شده است.

شهرهای میانی

اصلی‌ترین معیار برای تعریف شهرهای میانی اندازه جمعیتی آنها است به طوری که اغلب شهرهای بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار را به حساب می‌آورند. راندینلی، یکی از نظریه پردازان شهرهای میانی معتقد است که شایسته‌ترین معیار برای تعریف شهرهای میانی "اندازه نسبی جمعیت" است که با تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای به دست می‌آید (محمدی خبازان، ۱۳۷۰: ۴۴). تعریف راندینلی که حاصل بررسی‌های انجام شده در مورد ۳۱ شهر در ۱۷ کلان شهر جهان است، شهرهای متوسط را در دامنه‌ای گسترده در بر می‌گیرند: شهرهایی با جمعیت بیش از صد هزار نفر به استثنای بزرگترین شهر (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۷) او بر این باور است که تقویت شهرهای متوسط و پیوندهای آنان با شهرهای کوچک تر و شهرک‌ها، می‌تواند موجب توسعه‌ی متعادل از پایین به بالا شود (راندینلی، ۱۳۷۶). کارشناسان سازمان ملل شهرهای میانی را در اندازه ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفر دسته بندی نموده اند. در ایران، بحث از شهرهای متوسط (میانه) برای اولین بار و به طور رسمی در گزارش آمایش سرزمین به میان آمده و طبقه بندی ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفر را برای این شهرها برگزیده اند. تازه ترین نمونه تعاریف شهرهای متوسط مربوط به سال ۲۰۰۱ است و مشابه این تعاریف، کمابیش در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نیز مشاهده گردیده است؛ چنانکه در آرزانتین رقم ۵۰

تا ۱ میلیون نفر، ایالات متحده آمریکا ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر و در اروپا ۲۰ تا ۵۰ هزار نفر را برای گروه شهرهای میانی در نظر می‌گیرند.

در ایران بحث از شهرهای متوسط (میانه) اولین بار و به طور رسمی در گزارش آمایش سرزمین (ستیران، ۱۳۵۶) به میان آمده و طبقه بندی ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفر را برای این شهرها برگزیده اند (ارجمندنیا، ۱۳۶۸: ۶۳). پیران اندازه شهرهای متوسط را بین ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفر تعریف نموده است (پیران، ۱۳۷۸). زنجانی شهرهای ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفری را شهرهای متوسط بزرگ می‌داند (زنجانی، ۱۳۷۱، ۸۲). سعیدنیا، متوسط را شهرهایی با جمعیت بین ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر ذکر می‌کند (سعیدنیا، ۱۳۶۸، ۱۷). گیتی اعتماد شهرهای متوسط را دارای ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر می‌داند (اعتماد، ۱۳۷۲: ۹-۶). نظریان شهرهای متوسط را دارای ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر در نظر می‌گیرد.

در طرح آمایش سرزمین جمهوری اسلامی ایران، شهرهای ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفری شهرهای متوسط کوچک و شهرهای ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر شهرهای متوسط بزرگ و در طرح کالبدی ملی، شهرهای ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفری شهرهای متوسط محسوب شده اند. در شناخت شهرهای رده میانه علاوه بر شمار جمعیت، کارایی اقتصادی، فعالیت های عمده اقتصادی، ترکیب اشتغال نیز می‌تواند به کار آید. به نظر راندینلی این مقیاس جمعیتی به تنهایی مفهوم متوسط بودن یک شهر را در نظرهای شهری تعیین و تعریف نمی‌کند. تراکم جمعیتی، سطح فیزیکی واحد شهری، نیروی انسانی به کار گرفته شده در مشاغل غیر کشاورزی، اختلاف و تنوع فعالیت های اقتصادی، ویژگی های فیزیکی و ارتباطات شهرها با مقیاس دیگر شهرها مورد استفاده قرار گرفته تا تعریف جمعیت شناسانه ی یک شهر متوسط را پالایش نمایند. در شناخت شهرهای رده میانه علاوه بر شمار جمعیت، کارایی اقتصادی، فعالیت های عمده اقتصادی، ترکیبی اشتغال نیز می‌تواند به کار آید (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۴-۱۶). شهرهای میانی از اقتصادی، مستعد برتری فعالیت های تجاری و خدماتی، همراه با اشتغال در صنایع کارخانه ای که عمدتاً در بخش صنایع با مقیاس کوچک تمرکز یافته، هستند (باقری، ۱۳۷۷: ۸۹-۸۸).

با توجه به تعاریف گوناگون و دسته بندی های موجود، همچنین با لحاظ دیدگاه های مختلفی که مطرح شد، در این مطالعه موردی، شهرهای ۲۵ تا ۱۰۰ هزار نفری به عنوان شهر میانی در استان اصفهان شناخته شده اند.

جدول شماره ۱: تعریف مراکز شهری متوسط به حسب اندازه جمعیت در منابع مختلف؛ مأخذ: (محمدزاده تیتکانلو،

۱۳۸۰: ۸۳).

منبع	عنوان گروه شهری	تعریف جمعیتی (نفر)
ریچاردسون ۱۹۷۷	شهرهای متوسط	۱۰۰۰۰۰-۲۰۰۰۰۰
راندینلی ۱۹۸۲	شهرهای متوسط	تمام شهرهای دارای جمعیت بیش از ۱۰۰ هزار نفر به استثنای بزرگترین شهر
سازمان ملل (نایروبی ۱۹۸۵)	شهرهای متوسط	۱۰۰۰۰۰-۲۰۰۰۰۰
اسناد رسمی اکوادور (۱۹۸۵)	شهرهای متوسط	۴۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰
اسناد رسمی شیلی (۱۹۸۰)	شهرهای متوسط	۲۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰
اسناد رسمی نیکاراگوئه (۱۹۸۳)	شهرهای متوسط	۱۰۰۰۰-۲۰۰۰۰
هند (۱۹۸۲)	مقاله بهالا و کانوا (شهرهای متوسط)	۵۰۰۰۰-۹۹۹۹۹
چین (۱۹۹۱)	مقاله یانگ (شهرهای متوسط)	۲۰۰۰۰۰-۵۰۰۰۰۰
اتحادیه بین المللی معماران (۱۹۹۹)	شهرهای متوسط	۲۰۰۰۰-۲۰۰۰۰۰
طرح ستیران (سال ۱۳۶۵ ایران)	شهرهای متوسط	۲۵۰۰۰-۲۵۰۰۰۰

فضای پژوهش

مجموعه شهری اصفهان با مساحت ۸۳۴۷ کیلومتر مربع دارای ۱۵۸۰ کیلومتر مربع (۱۹ درصد) ارتفاعات سنگی است. نظام ارتفاعی مجموعه شهری، در جهت شمال غرب- جنوب شرقی است که محدوده را به چهار دشت اصلی تقسیم کرده است. دشت لنجان در غرب، دشت مرغاب در میانه و دشت های مرغ و برخوار در شرق جای دارند. رودخانه زاینده رود با دور زدن ارتفاعات این چهار دشت را به یکدیگر پیوند زده است. ارتفاع متوسط مجموعه ۱۷۲۰ متر از سطح دریا، پایین ترین نقطه با ارتفاع ۱۵۱۰ متر در شرقی ترین نقطه زاینده رود و بالاترین ارتفاع با ۲۹۱۰ متر مربوط به قله کوه شاه لرا در جنوب چرمهین، در غرب مجموعه واقع است. مهمترین عامل تعیین کننده شرایط اقلیمی میزان بارندگی است. میانگین بارندگی در شهر اصفهان طی دوره بیست ساله ۷۵-۱۳۵۵، حدود ۱۲۴ میلیمتر، بیشینه آن ۱۹۹ و کمینه آن ۶۱ میلیمتر ثبت شده است. میزان بارندگی در غرب مجموعه بیش از شرق و تفاوت آن بیش از ۱۰۰ میلیمتر است. این تفاوت به طور مشخص ناشی از تفاوت ارتفاعی این نقاط است. به طوری که بارندگی در ارتفاعات بالا افزایش و در زمین های پست کاهش می یابد. عامل بعدی در بررسی های اقلیمی، درجه حرارت است. این عامل متاثر است از عرض جغرافیایی، میزان ارتفاع، تعداد روزهای آفتابی و مقدار بارندگی. آمار بیست ساله ایستگاه اصفهان نشان می دهد که میانگین درجه حرارت سالانه ۱۶/۵، میانگین حداکثر ۲۳/۱ و میانگین حداقل ۹/۸ درجه سانتیگراد است. بالاترین درجه حرارت در تیرماه برابر ۴۱/۴ و پایین ترین آن در دی ماه و برابر با ۱۹/۴- درجه ثبت شده است. درجه حرارت رابطه معکوسی با میزان بارندگی و ارتفاع دارد. بدین ترتیب، غرب مجموعه با داشتن ارتفاع بالاتر، بارندگی بیشتر و حرارت کمتری نسبت به شرق آن دارد. مجموعه شهری اصفهان دارای ۳۶ نقطه شهری است. متوسط جمعیت نقاط شهری بالغ بر ۶۴۷۳۴ نفر است و متوسط جمعیت نقاط شهری بدون اصفهان بالغ بر ۶۴۷۳۴ نفر است. گروه جمعیتی ۲۵-۱۰ هزار نفری بیشترین سهم تعدادی را به خود اختصاص داده است. بیشترین تغییر و تحول در گروه های پایین و به طور عمده در گروه های کمتر از ۱۰ هزار نفر و ۲۵-۱۰ هزار نفر رخ داده است.

۱۱۰ کانون روستایی بالای ۱۰۰۰ نفر با جمعیت ۲۴۱۲۰۵ نفر بعنوان کانون های مهم روستایی شناسایی شده اند. از این میان ۳۳ نقطه در شهرستان اصفهان، ۳۳ نقطه در شهرستان فلاورجان، ۱۴ نقطه در شهرستان لنجان، ۶ نقطه در شهرستان خمینی شهر، ۴ نقطه در شهرستان نجف آباد، ۶ نقطه در شهرستان برخوار و میمه و ۱۴ نقطه در شهرستان مبارکه استقرار یافته اند. بزرگترین نقطه روستایی دستگرد قداده در شهرستان خمینی شهر با جمعیت ۷۴۷۸ نفر و کوچکترین نقطه روستایی (بالای ۱۰۰۰ نفر) امین آباد با ۱۰۱۴ نفر جمعیت در شهرستان اصفهان بوده است. بیشترین متوسط جمعیتی کانون های بالای ۱۰۰۰ نفر در شهرستان خمینی شهر با ۴۷۴۰ نفر، کمترین متوسط جمعیتی نیز در شهرستان لنجان با ۱۷۷۳ نفر و متوسط جمعیتی کانون های بالای ۱۰۰۰ نفر در مجموعه شهری ۲۱۹۳ نفر بوده است. کانون های بالای ۱۰۰۰ نفر در مجموعه شهری اصفهان، ۱۵/۶ درصد تعداد روستاها و ۵۳/۱ درصد جمعیت روستایی مجموعه شهری را به خود اختصاص داده اند. مجموعه شهری ۷۰۶ آبادی در هشت گروه ۴۹-۱ الی ۴۰۰۰ نفر را در خود جای داده است. در تمامی دوره های بررسی ۷۵-۴۵ تعداد آبادی های گروه های پایین شبکه فراتر و حتی فزاینده بوده است. بطوری که تعداد آبادی های گروه های ۴۹-۱ و ۹۹-۵۰ از ۲۳۷ عدد به رقم ۳۶۲ عدد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. این در حالی است که بطور روزافزون سهم جمعیتی این گروه ها در حال تنزل است. آبادی های بالای ۱۰۰۰ نفر ۸۰ درصد سهم جمعیت شبکه روستایی را در سال ۱۳۷۵ به خود اختصاص داده اند. این در حالی است که به لحاظ تعدادی سهمی معادل ۱۹/۸ درصد را به خود اختصاص داده اند. متوسط اندازه نقاط روستایی از رقم ۴۴۵ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۶۲۳ نفر در سال ۱۳۷۵ رسید. در میان شهرستان ها نیز شهرستان های برخوار و نجف آباد دچار تنزل جمعیتی شده اند. شمار نقاط روستایی از رقم ۵۷۵ عدد در سال ۱۳۴۵ به ۷۰۶ عدد در سال ۱۳۷۵ رسید. از این لحاظ نیز شهرستان های خمینی شهر، فلاورجان و لنجان نزول تعداد نقاط روستایی را تجربه نمودند. نکته جالب توجه در روند فزاینده یا کاهنده شمار و اندازه نقاط روستایی در برخی شهرستان های مجموعه شهری است که خود نشانگر رخدادهایی مانند پراکنده رویی و یا تخلیه آبادی های کوچک است. استراتژی تعادل بخشی منطقه ای دلیل وجودی شهرهای جدید مجموعه شهری اصفهان است. در منطقه کلان شهری اصفهان شهرهای جدید شامل پولادشهر، شاهین شهر، بهارستان،

سپاهان شهر و مجلسی برنامه ریزی شده اند که هر کدام در محوری سکونتی فعالیت با هدفی خاص سیاست گذاری شده اند. از این میان شهرهای شاهین شهر و فولادشهر در نظام کنونی اسکان اهمیت فراتر از سایر نقاط داشته و در زمره نقاط شهری جای گرفته اند. در این میان سه نقطه، شاهین شهر، سپاهان شهر و بهارستان در محور شهری صنعتی اصفهان تهران-شیراز با هدف اسکان سرریز جمعیت این محور و کلان شهر اصفهان ایجاد شده اند. شهرهای جدید فولادشهر و مجلسی نیز در محور صنعتی فولاد با هدف پاسخگویی به مسئله اسکان قطب های صنعتی ذوب آهن و مبارکه و صنایع دفاع ایجاد شده اند.

شهرستان نجف آباد یکی از شهرستانهای استان اصفهان است که در سمت غرب این استان واقع گردیده و مرکز آن شهر نجف آباد میباشد. در نتیجه شهرستان نجف آباد مطابق سالنامه آماری سال ۹۰ دارای طول ۵۰ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۰ دقیقه شرقی از نصف النهار گرینویچ و عرض ۳۲ درجه و ۲۹ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۱۹ دقیقه شمالی از خط استوا قرار دارد. شهرستان نجف آباد از نظر موقعیت جغرافیایی در غرب استان اصفهان و شمال غربی شهر اصفهان قرار دارد. از شمال و از شرق به شهرستان خمینی شهر و شاهین شهر، از غرب به شهرستان فریدن، از شمال غربی به شهرستانهای گلپایگان و خوانسار، از جنوب به شهرستانهای فلاورجان و لنجان و از جنوب شرقی به شهرستان خمینی شهر منتهی میگردد. شهر نجف آباد به عنوان مرکز شهرستان از سطح دریا ۱۶۷۵ متر ارتفاع دارد که از شرق به غرب تا ۲۲۰۰ متر متغیر است. شهر نجف آباد واقع در غرب اصفهان و در مسیر محور راههای اصلی اصفهان به نواحی غربی در مرکزیت نسبی شهرستانهای فریدن، فریدونشهر، گلپایگان، چادگان، خوانسار، تیران، نجف آباد و شهر فولادشهر و در موقعیت بسیار مناسب جهت دسترسی اکثر شهرهای غربی استان با برخورداری از موقعیت مناسب، دسترسی آسان به نقاط شهری و غرب و همچنین با بهره گیری از توان های کشاورزی، وضعیت مناسب توپوگرافی و مناسبت اراضی جهت توسعه وجود مراکز آموزش عالی، آب و هوای مناسب توان های مدیریتی و نیروی انسانی کارآمد، ظرفیت های مناسب فرهنگی، مراکز تولیدی و صنعتی و... شبکه ارتباطی بسیار مساعد، امکانات و ظرفیت های مساعدی را جهت توسعه آینده نشان می دهد و در صورت برنامه ریزی و سرمایه گذاری و توجه مسئولین می تواند بعنوان یک شهر رابط و درجه دوم استان با افزایش ظرفیت های خدماتی، فرهنگی، تولیدی، بهداشتی و... خود نقش رابطه و شهر میانی را بین اصفهان و شهرهای غربی استان را بازی کند. با ارائه خدمات مختلف مورد نیاز شهرهای اطراف هم از تمرکز بیش از اندازه شهر اصفهان بکاهد و تا حدود زیادی از وابستگی شهرهای غربی و اطراف به شهر اصفهان کم نماید. پژوهشگر در این پژوهش قصد دارد ضمن ارزیابی توان ها و محدودیت های این شهر، نقش توسعه آن را به عنوان متغیر مستقل بر کاهش تمرکز از شهر اصفهان به عنوان متغیر وابسته همچنین تأثیر توسعه شهری این شهر را بر ارائه خدمات برای شهرهای اطراف خود مطالعه نماید. محدوده مطالعه شهر نجف آباد و شهرهای اطراف و قلمرو زمانی آن اطلاعات در دو دهه اخیر است.

یافته های تحقیق

الف- تقویت نقش شهرهای میانی

بر اساس نظریه های مدافع شهرهای میانی، این شهرها می توانند در درون یک شبکه شهری متوازن و مبتنی بر سلسله مراتب، نقش های مورد انتظار را به عنوان یک کاتالیزور رشد و توسعه، ایفا کنند. در بررسی ایده های صاحب نظرانی که به طور خاص به شهرهای میانی پرداخته اند، می توان دریافت که اکثر آن ها مسایل و مشکلات ناشی از قطب گرایی فضایی، نابرابری های منطقه ای، تقدم و تسلط تک شهری، تفاوت ها و دوگانگی های شهری - روستایی، کاهش کیفیت زندگی در شهرهای بزرگ و بالاخره عدم توازن در توزیع فضایی امکانات و منابع و سرمایه ها را مطرح کرده اند و سپس به بیان دلایل شکست راهبردهای مبتنی بر قطبهای رشد و تمرکزگرایی صنعتی، به دنبال توجیهات نظری برای راهبردهای شهرنشینی غیر متمرکز با تأکید بر حمایت از شهر میانی بوده اند. موضوع همه، پیوندهای ضروری بین شهرها و روستاهاست که در یک الگوی متوازن شهرنشینی که شبکه توسعه یافت های از شهرهای متوسط را در بر داشته باشد، تأمین می شود. راهبردهای شهرنشینی متوازن یا متعادل مبتنی بر دیدگاه سلسله مراتبی سکونتگاه ها، نشأت گرفته از راهبردهای عمومی توسعه یعنی الگوی توسعه از

بالا به پایین و توسعه چند سطحی می باشد و قابلیت مشابهی برای استفاده در هر نوع جهت گیری از بالا به پایین، از پایین به بالا و چند سطحی را دارد.

ب- تقویت نقش شهرهای میانی و کوچک در استان اصفهان

عوامل جغرافیایی نظیر آب و هوا، ارتفاع و ناهمواری ها، منابع آب، کیفیت خاک، پوشش گیاهی و موقعیت نسبی نقش مهمی در پراکندگی جمعیت استان اصفهان دارند. هر جا طبیعت امکانات بهتری را برای زیستن فراهم کرده، جمعیت انبوه تری در آن استقرار یافته است. علاوه بر این عوامل، انسان نیز با ایجاد جاذبه های ویژه در مکانهای شهری سبب جذب و تمرکز جمعیت در این مکانها میشود. در حال حاضر، بیش از نیمی از جمعیت استان اصفهان در شهرها تمرکز یافته اند. این امر بیشتر ناشی از موقعیت برتر سیاسی، اداری و اقتصادی این شهرهاست.

جدول شماره ۲: راهکار تقویت شهرهای متوسط در اعلامیه های بین المللی؛ منبع: مأخذ: (محمدزاده تیتکانلو،

۱۳۸۰، ۸۷).

عنوان بیانیه	هدف مرتبط در بیانیه	راهبرد مرتبط در بیانیه	راهکار
اعلامیه بخارست (۱۹۷۴)	توسعه اقتصادی و اجتماعی	مقابله با آثار رشد بی رویه	ایجاد شبکه جهانی شهرهای کوچک و متوسط
دستور کار (۱۹۹۲)	توسعه پایدار	تمرکزهای شهری، بهبود مدیریت سکونتگاه های شهری و روستایی	تشویق توسعه شهرهای متوسط
بیانیه لیدا (۱۹۹۹)	حرکت به سوی شکلهای پایدارتر توسعه شهری	برقراری توازن در نظام شهری جهان	ایجاد شبکه های تعاون بین شهرهای متوسط و همبستگی بین المللی بین آن ها

جدول شماره ۳: تحولات سهم شهرنشینی در شهرستان های مجموعه شهری اصفهان؛ منبع: محاسبات پژوهشگر

شهرستان های مجموعه شهری	تعداد شهر	سهم شهرها از جمعیت شهرستان	سهم جمعیت شهرستان از کل
اصفهان	۲	۸۶/۶	۶۰/۳
شاهین شهر	۶	۸۱/۳	۷/۷
نجف آباد	۶	۷۱/۹	۹
لنجان	۷	۷۴/۱	۳/۸
مبارکه	۳	۵۴/۵	۹/۶۸
فلاورجان	۴	۴۲/۴	۶/۶۲
خمینی شهر	۳	۸۶	۲/۸۲
مجموعه شهری	۲۷	۷۰/۹	۱۰۰

جدول شماره ۳ تحولات سهم شهرنشینی در شهرستان های مجموعه شهری اصفهان را نشان می دهد.

ج) اهمیت گردشگری در تقویت شهرهای میانی

گردشگری نه تنها تأمین کننده ی یکی از نیازهای مهم روحی و روانی انسان است، بلکه توسعه ی این صنعت می تواند اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پربراری برای یک منطقه به ارمغان آورد. کشور ما از نظر داشتن جاذبه ای گردشگری در ردیف ده کشور اول جهان قرار دارد. با این حال نتوانسته است بیش از کل صنعت جهانگردی جهان را به ۱/۱۰۰۰ خود اختصاص بدهد. استان اصفهان نیز با وجود جاذبه های طبیعی، فرهنگی و تاریخی فراوان، حتی از این مقدار ناچیز نیز، نتوانسته سهم قابل توجهی را به خود اختصاص دهد. توسعه ی صنعت گردشگری در استان می تواند به ایجاد اشتغال، افزایش درآمد، تبادل فرهنگی کمک فراوان نماید. استان اصفهان به دلیل داشتن سه ویژگی عمده، می تواند به یکی از قطب های گردشگری داخلی و خارجی تبدیل شود. این ویژگی ها عبارتند از: ۱- سابقه تاریخی ۲- طبیعت زیبا و متنوع ۳- نقش ارتباطی شهر نجف آباد می تواند به علت داشتن جاذبه های طبیعی و تاریخی و... قابلیت توسعه فراوانی را از نظر جذب توریسم و گردشگر داشته باشد.

با توجه به عوامل فوق و شناخت هر چه بیشتر استان اصفهان و توانمندیهای شهرهای آن شامل: جاذبه های گردشگری، وجود کارخانه های متعدد، وجود دشت و نقش پایه ای آن در اقتصاد کشاورزی استان و کشور، قرار گرفتن در مسیر ارتباطی و گرفتن نقش دانشگاهی و فرهنگی شهرهای آن، با سرمایه گذاری و تقویت شهرهای میانی و کوچک می توان علاوه بر ایجاد تعادل جمعیتی، شاهد توسعه متعادل و متوازن شهرهای آن و در نتیجه توسعه پایدار بود. شهرهای استان اصفهان به واسطه داشتن تواناییهای مختلف و به عهده گرفتن نقشهای متفاوت می توانند در جایگاه خود به جذب جمعیت پرداخته و علاوه بر پیشرفت در زمینه اقتصادی و فرهنگی، از افزایش بی رویه جمعیت در شهر و بروز پدیده ماکروسفالی جلوگیری نمایند.

شهر نجف آباد با توجه به وجود مراکز مختلف دانشگاهی - شهرکهای صنعتی - اراضی گسترده کشاورزی - جاذبه های مختلف گردشگری - مراکز مهم درمانی و بهداشتی بازارهای محلی پویا و پربرونق و قرار گرفتن در مسیر و کریدور غرب به شرق کشور قابلیت های بسیار زیادی جهت توسعه و سرمایه گذاری و تبدیل شدن به شهردوم استان را دارد. دربخش آموزش و دانشگاهی شهر نجف آباد با داشتن مراکز دانشگاهی مهم از جمله دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد - دانشگاه پیام نور و دانشگاه های علمی و کاربردی متعدد می تواند با ایجاد شهرک های علمی فناوری و تحقیقاتی نقش موثری در توسعه علم ودانش در سطح استان و کشور داشته باشد. دربخش صنعت با توجه به قرار داشتن ۳ شهرک صنعتی در شمال و غرب و جنوب که صنایع قابل توجهی را در خود جا داده است با تقویت و پویایی این صنایع که در وضعیت اقتصادی کنونی با مشکلات متعدد مالی و اقتصادی روبه رو می باشند در رشد و شکوفایی صنایع موجود با بهره بری از مراکز علمی شهر و ایجاد حلقه ارتباطی صنعت و دانشگاه ضمن بهره بری از علم روز و بروزرسانی صنایع موجبات رشد اقتصادی و علمی و رونق کسب و کار اشتغال زایی مناسب را در شهر ایجاد نمود. وجود آب و هوای مناسب چهار فصل و جاذبه های مختلف گردشگری از جمله آثار تاریخی ثبت شده و محیط های زیبای گردشگری علی الخصوص محیط حفاظت شده قمیشلو که از جاذبه های طبیعی بسیار زیبایی برخوردار می باشد. همچنین صنایع مختلف دستی همچون دستباف موجود در شهر نجف آباد می تواند این شهر را به یکی از مراکز مهم گردشگری در سطح استان تبدیل نماید که با جذب سرمایه بخش خصوصی و همکاری و مساعدت بخش دولتی تحقق این امر که نقش موثری در جذب گردشگر و رونق اقتصاد منطقه دارد امکان پذیر می باشد. همچنین با توجه به وجود مراکز درمانی مهم و در دست احداث می توان به جذب توریست در بخش صنعت توریست درمانی در شهر اقدام نمود. قرارگیری شهر نجف آباد در دشت وسیع با اراضی مستعد کشاورزی از دیرباز این شهر را در بخش کشاورزی از جمله نقاط مهم تولید محصولات کشاورزی نموده است. گرچه با وجود خشکسالی های اخیر و کمبود آب این اراضی تحت تاثیر زیادی قرار گرفته است، لیکن با برنامه ریزی مدون و استفاده از تکنولوژی های پیشرفته علمی در آبیاری اراضی و تهیه طرح تحقیقاتی و علمی می توان در حفظ و احیاء مجدد اراضی مذکور و در کنار آن ایجاد صنایع تبدیلی چند قطب کشاورزی این شهر را به جایگاه اصلی خود در سطح استان بازگرداند. وجود بازار پر رونق و پویا وزنده شهر نجف آباد که از سالیان قبل زبانزد مردم شهرستان و استان بوده یکی دیگر از پتانسیل های موجود در تقویت نقش شهر نجف آباد در سطح استان میباشد. یکی از عوامل موثر در پویایی و رونق اقتصادی مذکور عرضه کالاهای متعدد با قیمت های ارزان و مناسب که ناشی از انصاف و دینداری و اعتقادات شدید مذهبی ساکنان آن است می باشد. استقبال شدید شهرهای اطراف و حتی از شهرستانهای همجوار از بازار نجف آباد برای دادوستد مستمر و دوسویه

اهمیت توجه به این بخش از اقتصاد محلی شهر را نشان می دهد که با برنامه ریزی مدون و صحیح و ایجاد جاذبه های لازم و تسهیل در دسترسی آسان به بازار مذکور می توان در هر چه رونق بخشی بهتر به این بخش از اقتصاد بومی و محلی و ایجاد کسب و کار و اشتغال بیشتر و تقویت نقش این شهر در سطح استان اصفهان کمک نمود.

نتیجه گیری

به طور خلاصه می توان گفت که برنامه های توسعه و عمران، قبل و بعد از انقلاب اسلامی اساساً به سود نواحی شهری بوده و باعث توسعه کمی و کیفی فضاهای شهری شده و تنها به صورت حاشیه ای به نواحی روستایی توجه کرده است که نتیجه آن گسترش شهرنشینی و کاهش نسبت روستانشینی است. در حال حاضر، شهر نجف آباد می تواند نقش های مهمی در استان را به خود اختصاص داده است. این شهر علی رغم داشتن توانایی های بالقوه در زمینه کشاورزی، گردشگری و صنعتی، دانشگاهی و درمانی به علت عدم توجه مسئولین مربوطه پیشرفتی نداشته و همچنان روند مهاجر فرستی از آن و روستاهای اطرافشان ادامه دارد که به علت مهاجرت بی رویه به مرکز استان، مرکز استان مملو از جمعیت گردیده و شهرهای دیگر استان، دارای جمعیتی به مراتب کمتر از مرکز استان می باشند، به عبارت دیگر توزیع جمعیت در استان متعادل نمی باشد، که علت آن نابرابری در امکانات و تسهیلات در شهرهای مختلف استان است. که با تقویت شهرهای میانی و کوچک علاوه بر شکوفا نمودن استعدادها و توانایی های بالقوه آن ها، می توان شاهد افزایش امکانات و در نتیجه افزایش جمعیت در این شهر ها و به دنبال آن تعادل جمعیتی در سطح استان بود. استان اصفهان، به علت قرارگیری در مسیر ارتباطی توانایی بسیاری جهت پیشرفت و پذیرش نقش های جدید در استان را دارد، چرا که حمل و نقل ارزان و فراوان، ویژگی مهم این استان می باشد، زیرا یکی از عوامل مهم پیشرفت که این استان از آن بهره مند است دسترسی می باشد، به همین دلیل، شهر نجف آباد با گرفتن نقش دانشگاهی و با پذیرفتن نقش شهرک صنعتی، با داشتن صنایع تبدیلی و تکمیلی به علت وجود امکانات مناسب کشاورزی و با گرفتن نقش مرکز صنعتی به واسطه داشتن قابلیت کارخانه و علاوه بر آن تمام به واسطه ی زیبایی های طبیعی و آثار تاریخی و باستانی خود می توانند به پیشرفتی توأمان دست یافته و به توزیع متعادل جمعیت و امکانات دست یابند که جهت رسیدن به این هدف، برنامه ریزی و مشارکت مردم ساکن در این شهر نقش مؤثری در توسعه آنها خواهد داشت. بنابراین به نظر می رسد، با تقویت بنیادهای اقتصادی - اجتماعی شهرهای میانی، سهم مهاجران وارده از مبدأ کاهش یافته و می تواند پذیرای جمعیت خارج از سکونتگاه نیز باشد.

پیشنهادات

شناسایی امکانات و توانهای شهرهای میانی و ایجاد زیرساخت های لازم جهت توسعه اقتصادی و فرهنگی در این شهرها. - مهار رشد جمعیت تنها در یک شهر و جذب جمعیت اضافی به دیگر شهرهای استان از طریق ایجاد فرصت های مناسب شغلی با ایجاد مشاغل مناسب با شرایط شهرهای میانی و کوچک استان. - ایجاد تعادل نسبی در توزیع تأسیسات و تسهیلات شهری و تناسب امکانات در شهرهای مختلف استان. - تحلیل نقش شهرهای میانی در توسعه ملی تحقیق و بررسی به منظور شناسایی راهکارها و سیاست های مناسب جهت جلوگیری از تمرکز بیشتر شهری در مرکز استان. - جهت رسیدن به نظام شهری متعادل در سطح استان، لازم است همراه با سرمایه گذاریهای دولتی، سرمایه گذاری های خصوصی را نیز با اعمال سیاست های کنترلی و تشویقی به سوی شهرهایی که به عنوان شهر میانی در نظر گرفته می شوند، هدایت کرد. - توزیع امکانات و انتقال قطبهای تمرکز از مراکز شهرستانی (شهرهای ناحیه ای) رده اول به مراکز شهرستانی (شهرهای ناحیه ای) رده دوم و سوم، راهبردی قابل انجام و مفید می باشد. مراکز شهرستانی رده میانی در عین حال که پتانسیل بهتری برای توسعه دارند به سرمایه گذاری های زیرساختی کمتری نیازمندند. از این رو، توسعه آن ها با هزینه های کمتری (در قیاس با محروم ترین مراکز شهرستانی منطقه) امکان پذیر است.

منابع

۱. اجلالی، پرویز، ۱۳۷۱، تحلیل منطقه ای و سطح بندی سکونتگاه ها جلد اول، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهران.
۲. ارجمندنیاصغر ۱۳۶۸ نقش شهرهای میانی در نظام اسکان جمعیت، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال سوم شماره ۷.
۳. اعتماد، گیتی، ۱۳۷۲، شبکه شهرهای ایران (از مجموعه شهرنشینی در ایران)، انتشارات آگاه.
۴. امچی، حمیده ۱۳۸۳، شهرهای میانی و نقش آنها در چارچوب توسعه ملی، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، تهران.
۵. باقری، اشرف السادات، ۱۳۷۷، کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه ای، فصلنامه مدرس، شماره های ۸۸-۸۹.
۶. پاپلی یزدی، محمدحسن و حسین رجبی سناجردی، ۱۳۸۶: نظریه های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، چاپ دوم، تهران.
۷. پرودهم، رمی و چانگ وون لی ۱۳۸۰ پراکنش سرعت و کارائی شهرها، ترجمه ایرج اسدی و قادر احمدی، مدیریت شهری، شماره ۷.
۸. پیران، پرویز، ۱۳۷۹، تقویت شهرهای متوسط راهکاری برای کاهش ناهماهنگی در نظام شهری، ایران، مجله شهرداری ها، شماره ۱۲.
۹. تقوایی، مسعود، ورائی، حمیدرضا و حجت شیخی، ۱۳۸۷، تحلیل جایگاه و نقش شهرهای میانی همدان در توسعه منطقه ای، مجله جغرافیا و توسعه، سال سوم، شماره ۱۱، زاهدان.
۱۰. تقوایی، مسعود و رضا مختاری ملک آبادی ۱۳۸۳ مدیریت شهری در شهرهای متوسط، ماهنامه شهرداری ها، شماره ۶۱.
۱۱. حسامیان، فرخ؛ گیتی، اعتماد؛ حائری، محمدرضا، ۱۳۷۷، شهرنشینی در ایران تهران، انتشارات آگاه.
۱۲. حاتمی نژاد، حسین، پورحسین، حمید، محمدپور، صابر و ایوب منوچهری، ۱۳۹۰: تحلیل عملکرد فضایی شهر میانی مرن در سطح شهرستان مرن، مجله پژوهشهای جغرافیایی انسانی، شماره ۷۸، تهران.
۱۳. راندینلی، دنیس، ۱۳۷۶، شهرهای اندازه متوسط، ترجمه مجید محمدی خبازان. سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۱۴. زنجانی، حبیب ۱۳۷۱، اندازه مطلوب جمعیت در شهر سالم، سخنرانی در سمپوزیوم شهر سالم، مجله آبادی.
۱۵. زبردست، اسفندیار ۱۳۸۲ ارزیابی روشهای تعیین سلسله مراتب و سطح بندی سکونتگاهها در رویکرد عملکردهای شهری در توسعه روستایی، هنرهای زیبا دانشگاه تهران، شماره ۱۳.
۱۶. زبردست، اسفندیار، ۱۳۸۳: اندازه شهر، انتشارات مسکن و شهرسازی، چاپ اول، تهران.
۱۷. زیاری، کرامت اله و جعفر تقی اقدم، ۱۳۸۸، عملکرد شهر میانی خوی در توسعه فضایی استان آذربایجان غربی، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۳.
۱۸. سعیدنیای، احمد، ۱۳۶۸، جایگاه شهرهای جدید در نظام شهری ایران، مجموعه مقالات سمینار شهرهای جدید فرهنگی جدید در شهرنشینی.
۱۹. شکویی، حسین واشرف شمس السادات باقری، ۱۳۷۷: کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه ای، فصلنامه مدرس، شماره ۸-۹، تهران.
۲۰. ضیاءتوانا، محمدحسن و علی شمس الدین، ۱۳۸۹، کارکردهای شهری در توسعه روستایی، مورد نورآباد و روستاهای پیرامون، فصلنامه جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره ۳، گرمسار.
۲۱. کانزمن، کلاس، ۱۹۸۴، تشویق ایده شهرهای میانی به عنوان کلیدی موفق در تعیین خط و مشی برنامه ریزی منطقه ای، ترجمه: حمیده امچی، سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۴.

۲۲. کنعان پور، جهانگیر، ۱۳۸۴، برنامه ریزی فضایی سیستم های شهری استان اردبیل مجموعه مقالات تخصصی معماری و شهرسازی مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران.
۲۳. محمدی خبازان، مجید ۱۳۷۰، ویژگی های جمعیتی شهرهای متوسط، سازمان برنامه و بودجه، مجله ی معماری و شهرسازی، شماره ۱۱-۱۲.
۲۴. محمدزاده تیتکانلو، حمیده، ۱۳۸۰، شهرهای متوسط و شهری شدن جهان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵.
۲۵. میسرا و مابوگونج، ۱۳۶۸، توسعه منطقه ای ترجمه عباس مخبر سازمان برنامه و بودجه.
۲۶. نظم فر، حسین و زهرا امینی، ۱۳۸۹، نقش شهرهای متوسط در توسعه و تعادل منطقه ای، دومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست.
۲۷. وثوقی، فاطمه ۱۳۸۴، منطقه بندی در ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی.
۲۸. وردی نژاد و میثم یزدانی، ۱۳۹۰، توسعه پایدار شهری از تئوری تا عمل، دانشگاه تهران.
۲۹. هیلهورست، ژوزف، ۱۳۷۰، برداشت سیستمی در برنامه ریزی منطقه ای، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی، گروه مترجمان.

30. Ayman Mohamad Mostafa, 2012, Quality of Life Indicators in Value Urban Areas: Kasr Elnile Street in Cairo, Social and Behavioral Sciences
31. Desmet.k, Carlos.U, Rossi-Hansberg. E, 2013, Analyzing Urban Systems: Have Mega-Cities Become Too Large? Princeton University.
32. HANSEN, NILES M. 1972, Future Regional Policy Alternatives, University of Texas, Austin. NO 588-602.
33. Rondinelli,D.A(1983): secondary Cities in developing countries for Diffusing Urbanization, Sage Publication. London. NO.63-81.
34. Tacoli, C. (2007), LINKS BETWEEN RURAL AND URBAN DEVELOPMENT IN AFRICA AND ASIA, UN/POP/EGM-URB/2008/09. NO.50.

Strengthening the City of Najafabad as the Mid-sized City of the West of Isfahan for the Balanced Spatial Development of the Cities of this Province (Case study: Najaf Abad City)

Seyyed Mohammad Ebrahim Ahmadi¹, Hossein Ataei², Mahnaz Mohammad Hosseini³

1. M.A student of geography and urban planning – urban improvement and renovation, Faculty of Geography, Payame Noor University, Isfahan, and Urban Planning Deputy Mayor of Najaf Abad City.

2. Associate professor, Department of Geography, Payame Noor University, Tehran

3. Master of industrial-financial management, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Najaf Abad Branch

Abstract

In recent years, the role of small and mid-sized cities in Iran has been weakened and the chain urban network has weakened these cities economically, socially and spatially (Hesamian et al. 1998: 15). Most policies and attention having been directed to large cities and metropolitan areas in recent years depend to a large extent on the organization and solving of the problems of small and mid-sized cities (Ziari, 2009: 233). One of the most important strategies in this regard is to strengthen mid-sized cities and support the creation of such cities in the urban network of the country. This policy is based on the hypothesis that mid-sized cities play a positive role in the process of spatial development of a land and its various regions and can play a decisive role in this. For example, one can prevent from migration to large cities and create a dynamic economy for mid-sized cities by expanding the facilities and services in mid-sized cities. The present article attempts to investigate the capacities of the city of Najaf-Abad as the mid-sized city of the West of Esfahan for the balanced spatial development of the cities of Isfahan Province, and to provide solutions for improving the spatial structure and removing its urban problems. This is an applied research in terms of nature, and a descriptive-analytic method has been used in this paper. The research data have been collected using the library method (from books, articles and the Internet). In order to prevent population growth in the city and, consequently, to avoid the phenomenon of physical expansion of the city, we should try to strengthen mid-sized cities in order to attract the population and create a population balance in the region.

Keywords: mid-sized cities, tourism, role of cities of the province, Isfahan Province, Najaf Abad City.
